

حال مردم فلسطین سامان نمی‌یابد، نجات نمی‌یابند و یاری نمی‌شوند، مگر با خیزش و حرکت سربازان اسلام و مگر با حی علی جهاد (فریاد دعوت‌کننده به جهاد) و صیحه‌های تکبیر، و لشکرکشی رزم‌آوران آزادی‌بخش. آن روز است که مردم غزه در امن و آرامش خواهند زیست و مسجدالاقصی و پارانشی شادمان خواهند شد، آنگاه که بر ویرانه‌های تخت ستمگران قد برافرازند و برآستی که این خیر عظیم و این مأموریت بزرگ را، تنها کسانی می‌توانند به سرانجام رسانند که از میان امت اسلام و سپاهیان، خلوص نیت در راه الله سبحانه‌وتعالی داشته باشند. باشد که الله سبحانه‌وتعالی قلوبشان را هدایت کند و سینه‌هایشان را برای یاری دینی بشکاید و این کار بر خداوند دشوار نیست.



در این شماره می‌خوانید:

دام اوکراین و آینده ناتو؛ طرح‌های جنگی برای مهار روسیه و محاصره
وضع عوارض مالی بر آب نیل؛ تجاوز به مالکیت عمومی و مخالفت
آشکار با حکم شرع...۲
گردد دولت‌ها چون گردش روزگار...۳
آتیچه در تاریخ معاصر بین پنهان مانده است...۴
دموکراسی برای انسان سودمند نیست...۴

چهارشنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۴۴۷ هـ، ۵ نوامبر ۲۰۲۵ م، ۱۴ آبان ۱۴۰۴ ش

پیشوای که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

شماره: ۵۲۲ تعداد صفحه: ۴

مقاله برگزیده

افزایش نفوذ چین در قرقیزستان

استاد ممتاز ماوراء النهری

قرقیزستان روزی‌مرز بیشتر زیر نفوذ سیاست توسعه‌طلبانه چین قرار می‌گیرد؛ شاهد روشن آن، شمار فزاینده توافق‌نامه‌ها و پروژه‌های بزرگ میان دو کشور است. در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵، «آگانس ملی سرمایه‌گذاری» وابسته به ریاست‌جمهوری قرقیزستان اعلام کرد که یادداشت تفاهمی با یک شرکت چینی برای ساخت شهر جدیدی به نام «آسمان» در منطقه ایسبک‌کول امضا کرده است. بر اساس داده‌های وزارت اقتصاد قرقیزستان، هزینه این پروژه حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. پیش‌تر رئیس‌جمهور صدر جباروف اجرای پروژه را منوط به بازنگری در طرح و رعایت الزامات زیست‌محیطی دانسته بود.

روشن است که پروژه‌هایی با عناوینی چون «اقتصاد سبز» یا «شهر سبز» چیزی جز دام‌هایی در خدمت سرمایه‌داران جهانی نیستند؛ زیرا این سرمایه‌داران از شعار سرمایه‌گذاری زیست‌محیطی سو-استفاده می‌کنند تا سودهای کلان به‌دست آورند. معمولاً نیز واهما و کمک‌های مالی مرتبط با چنین پروژه‌هایی با شرایط سنگین و محدودکننده همراه است، به‌گونه‌ای که منافع و خواسته‌های کشور تأمین‌کننده بودجه بر هر ملاحظه‌ای اولویت می‌یابد.

با توجه به دیپلماسی نرم و تدریجی چین، احتمال می‌رود که در شهر جدید، بخشی از مناطق برای اسکان چینی‌ها اختصاص یابد. از سوی دیگر، هزینه کلان اجرای پروژه به‌شکل بدی جدیدی بر دوش قرقیزستان افزوده خواهد شد و این کشور را در تنگنای فزاینده‌تری از وابستگی و فشار قرار خواهد داد.

شایان‌ذکر است که بخش عمده بدی خارجی کنونی قرقیزستان متعلق به چین است؛ از مجموع حدود ۵۰۲ میلیارد دلار بدی خارجی، نزدیک به ۲ میلیارد دلار آن به چین تعلق دارد. پیش‌بینی می‌شود این رقم با اجرای پروژه‌های عظیمی مانند خط راه‌آهن مشترک چین قرقیزستان ازبکستان دو برابر شود.

علاوه بر این، چین اصلی‌ترین شریک تجاری قرقیزستان به‌شمار می‌آید و حدود ۳۶٫۶ درصد از کل تجارت خارجی قرقیزستان را دربر می‌گیرد. ارزش مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۲۴ به ۲۲۰٫۷ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال پیش از آن ۱۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. حجم سرمایه‌گذاری‌های چینی نیز رو به رشد است؛ در ۹ ماه نخست سال ۲۰۲۴، میزان کل سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در قرقیزستان حدود ۷۴۷ میلیون دلار بوده که ۳۰ درصد آن (معادل ۲۲۱٫۵ میلیون دلار) از چین آمده است.

در کنار این‌ها، شرکت‌های چینی بیش از ۸۰ درصد سهم بخش معدن قرقیزستان را در اختیار دارند و به‌طور گسترده در استخراج طلا و فلزات گرانبها فعالیت می‌کنند. این شرکت‌ها معمولاً مواد خام معدنی را به خارج از کشور منتقل می‌کنند و در نتیجه میزان واقعی استخراج طلا و فلزات گرانبها را کمتر از مقدار حقیقی اعلام می‌کنند. اکنون در قرقیزستان بیش از ۳۰۰ شرکت چینی و نزدیک به ۲۰۰ شرکت مشترک قرقیز چینی فعالیت دارند؛ ششادانه‌ای آشکار از عمق نفوذ اقتصادی پکن در این کشور کوچک آسیای مرکزی.

نفوذ چین تنها به عرصه اقتصادی در قرقیزستان محدود نشده، بلکه به حوزه‌های دیگری همچون گردشگری و سکوپار نیز سرریز کرده است. در ماه‌های اخیر خرید ملک توسط شهروندان چینی در داخل کشور به‌طوری چشمگیر افزایش یافته، تحت عنوان گردشگری یا سرمایه‌گذاری. همچنین اجرای نظام معافیت از روادید برای شهروندان چینی در قرقیزستان، در تثبیت حضور و گسترش آن‌ها در کشور را باز کرده است.

ادامه صفحه ۳

صلح مسموم آمریکا میان مغرب و الجزایر؛ طرحی برای

تفرقه و نفوذ

— استاد مناجی محمد —



استیو ویتگاف، فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا «دونالد اصلی درگیر؛ مغرب و الجزایر وارد گفت‌وگو شده است. ترامپ» در امور خاورمیانه، اعلام کرد که تیم او در حال اظهارات ویتگاف درباره «توافق صلح طرف شمت روز کار بر روی دستیابی به توافق صلحی میان الجزایر و آئینه» نشان می‌دهد که اقدامات عملی و تماس‌های مغرب در آئینه‌های نزدیک است. این سخنان را ویتگاف در دیپلماتیک پشت‌پرده با طرفین آغاز شده است. این مصاحبه‌ای تلویزیونی همراه با «جارد کوشنر» عمر یکشنبه امر را نیز «مسعد بولس» (داماد ترامپ و مشاور او در برنامه «۶ دقیقه» شبکه آمریکایی CBS بیان کرد و امور (آفریقا) تأیید کرده است. او در گفت‌وگویی با شبکه گفت: «تیم ما هم‌اکنون درباره مغرب و الجزایر فعال است «الشرق» عربستان سعودی در هفته گذشته فاش کرد: و انتظار دارم طی ۶۰ روز آئینه به توافق صلح برسیم». «الجزایر خواهان یافتن راه‌حلی بنیادی و نهایی برای مسئله سسله صحرای غربی از دهه هفتاد میلادی تاکنون، یکی از صحرای غربی است و همچنین تمایل خود را برای بهبود پیچیده‌ترین و آلوده‌ترین پرونده‌های نزاع‌های استعماری روابط با مغرب نشان داده است». وی با ابراز خوش‌بینی آمریکا و اروپا در غرب جهان اسلام بوده است. با آغاز افزود: «من اخیراً با رئیس‌جمهور الجزایر، عبدالمدجید دوره نخست و دوم دولت ترامپ و تغییرات راهبردی تبون، دیدار کردم و در او تمایل روشنی برای بازسازی در این پرونده به‌ویژه پس از آنکه ترامپ رسماً حاکمیت پل‌های اعتماد با ملت مغرب و نیز با پادشاه، دولت و مغرب بر صحرای غربی را به رسمیت شناخت و طرح نهادهای مسئله صحرای غربی اعلام کرد، زیرا آنچه موردنیاز است، «خودمختاری» را تنها راه‌حل عملی دانست. این موضوع ملت برادر و همسایه‌اند که تاریخی مشترک و ارزش‌ها و در قالب بخشی از استراتژی اقتصادی و تجاری ترامپ منافع فراوانی آنان را به هم پیوند می‌دهد».

طرح شد: همان دیدگاهی که جهان را صرفاً بازار برای در سوی دیگر، مسعد بولس درباره مغرب گفت: «سخنرانی معاملات و سوددهی می‌بیند و زمان را عامل تعیین‌کننده‌ای اخیر پادشاه مغرب تاریخی بود؛ او در آن سخنرانی اراده در شتاب بخشدین به نتایج می‌داند. ترامپ به صحرای خود را برای یافتن راه‌حلی نهایی و مرضی‌الطرفین برای مغرب نه به چشم منطقه‌ای مورد مناقشه، بلکه به‌مثابه مسئله صحرای غربی اعلام کرد، زیرا آنچه موردنیاز است، سرزمینی بکر و غنی از معادن راهبردی و دروازه‌ای برای راه‌حلی پایدار و فراگیر است».

نفوذ سرمایه‌داری آمریکا به آفریقا می‌گردد؛ جایگاهی که این نشانه‌ای است از این‌که هر دو نظام موجود در مغرب و غرب نه به چشم منطقه‌ای مورد مناقشه، بلکه به‌مثابه مسئله صحرای غربی اعلام کرد، زیرا آنچه موردنیاز است، سرزمینی بکر و غنی از معادن راهبردی و دروازه‌ای برای راه‌حلی پایدار و فراگیر است».

نفوذ استعمار نوین آمریکا در آفریقا می‌گردد؛ جایگاهی که این نشانه‌ای است از این‌که هر دو نظام موجود در مغرب و غرب نه به چشم منطقه‌ای مورد مناقشه، بلکه به‌مثابه مسئله صحرای غربی اعلام کرد، زیرا آنچه موردنیاز است، سرزمینی بکر و غنی از معادن راهبردی و دروازه‌ای برای راه‌حلی پایدار و فراگیر است».

نفوذ استعمار نوین آمریکا در آفریقا می‌گردد؛ جایگاهی که این نشانه‌ای است از این‌که هر دو نظام موجود در مغرب و غرب نه به چشم منطقه‌ای مورد مناقشه، بلکه به‌مثابه مسئله صحرای غربی اعلام کرد، زیرا آنچه موردنیاز است، سرزمینی بکر و غنی از معادن راهبردی و دروازه‌ای برای راه‌حلی پایدار و فراگیر است».

بشاید به‌سوی درهم شکستن رژیم یهود و بازگرداندن کامل فلسطین به سرزمین‌های اسلامی!

ای مسلمانان... ای ارتش‌های مستقر در سرزمین‌های اسلامی! ما به یاری خداوند، به عزت اسلام و مسلمانان، و به زکات خلافت راشد جاهد و نبرد با یهودیان و نوداتی فتح و فتح روم مانند فتح فلسطینه که در اسلام شد و تم آن به «استقامت» تغییر یافت، اطمینان کامل داریم. ما به ای امر اطمینان داریم؛ هرچند کافران و منافقان بگویند: «إِنَّ يَهُودَ النَّاصِرُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مِرْسًا مِنْ يَهُودٍ، دِيْنَهُمْ يَتَّبِعُونَ يَهُودَ عَلَى الْإِثْنِ اللَّهِ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». آنگاه که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، می‌گویند: «ایمان را بدیشان فریفته است»؛ حال آنکه هر کس بر خداوند توکل کند، یقیناً خداوند عزیز و حکیم است. چرا که تمام این پروژهای برای مسلمانان، وعده الهی و بشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم است و به اذن خداوند محقق خواهد شد...

اما سنت خداوند بر این قرار گرفته است که فرشتگانی از آسمان برای ما خلاف برپا نکنند و وعده خداوند قوی و عزیز و بشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم را درحالی‌که به یسخر که از کار کشیده‌ایم، محقق سازند؛ بلکه فرشتگان هنگامی به یاری ما نازل می‌شوند که با کوشش، جدیت، صدق و اخلاص عمل می‌کنیم. در این صورت است که خداوند پرهیز را برای ما محقق می‌سازد و ما را به رستگاری در دنیا و آخرت می‌رساند؛ همان قوی عظیم «يُؤَيِّدُ بِنُفْثِ الْفُؤُتُونِ» بشارت الهی بنشتر من یشا ووه العزیز الرحیم، «و در آن روز است که مؤمنان شادمان می‌شوند» به یاری خداوند. او هر که را بخواهد یاری می‌دهد و اوست عزیز و مهربان.

به این هدف، حزب‌التحریر، این پیششار که هرگز به اهل خود دروغ نمی‌گوید، شما را فرامی‌خواند. ای سربازان در ارتش‌های مسلمانان! بشاید به‌سوی عزت دنیا و آخرت! بشاید به‌سوی درهم شکستن رژیم یهود و بازگرداندن کامل این سرزمین مبارک به سرزمین‌های اسلامی و خداوند با شهادت و هرگز انحال شما را ضایع نخواهد کرد.

محتوی این نشریه‌ای به قلم امیر الحزب، الحزب، عالم جلیل‌القدر، عطا، بن خلیل ابشرته

رسانه‌ها خبر رقص رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، روی فرش قرمز فرودگاه در مالزی را منتشر کردند؛ وقتی او را روز یکشنبه، ۲۰۲۵/۱۰/۲۶، نخست‌وزیر مالزی استقبال می‌کرد، گروهی از مردم مالزی مردان و زنانی با برافراشتن پرچم‌های آمریکا و رقصیدن بر نوای موسیقی محلی برای آن قاتل جنایتکار که دستش به خون مسلمانان در غزه آلوده است، به پا خواستند.

پیش‌تر نیز، هنگام سفر ترامپ به امارات در ۱۵/۰۵/۲۰۲۵، محمد بن زاید، رئیس امارات، چنین کاری را انجام داده بود؛ جمعی از دختران خرسال صف کشیده و حرکتی هماهنگ در راست و چپ سر با ضرب‌آهنگ موسیقی سنتی انجام دادند. در واکنش به این قضایا، دفتر اطلاع‌رسانی مرکزی حزب التحریر در بیانیه‌ای اعلام کرد که نمایش دختران مسلمان توسط این حکام در برابر جنایتکار جنگی هیچ ربطی به اسلام ندارد و نماینده مسلمانان نیست، به‌عکس، موضع واقعی مردم را اقدام مردم مالزی نشان داد که از ساعت نه صبح در دست داشتند و شعار «آزادی... آزادی برای فلسطین» سر می‌دادند. این است موضع واقعی امت نسبت به این جنایتکاران، نه آنچه حکام خود فروخته نشان می‌دهند.

بیانیه افزود که ثقافت اسلامی ما؛ مجموعه مفاهیم درباره زندگی را بیان می‌کند، حکم می‌کند که زن «عرض» را برای پاس داشته شود، این آیه که بدن او برای استقبال از قاتلان فرزند مسلمان به نمایش گذاشته شود. آن قاتل جنایتکار می‌رقصد و همسرش بدبوشیده در کنار او ظاهر می‌شود؛ آن‌ها تمدن منطقی غربی خود را به نمایش می‌گذارند؛ تمدنی آکنده از فحشا و فسق؛ اگر در میان حکام مسلمان ذره‌ای مردانگی بود، او را در بلاد ما استقلال می‌گردد و دستشان را برای دست‌دادن با دست‌هایی که به خون مسلمانان آلوده است دراز نمی‌کردند!

در ادامه، بیانیه رفتار شایسته با این حکام پست را چنین تبیین کرد: رفتار درست با کسانی که علیه مسلمانان جرم مرتکب شده‌اند، همان راهی است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم و خلفای پس از او انجام دادند؛ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم محمد بن مسلمه را به سوی کعب بن الاشرف فرستاد تا او را بکشد، زیرا او با زبان خود به الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم اهانت کرده بود؛ او شاعری از یهود بنی‌النضیر بود و هنگامی که یهود بنی‌قیقاع به زنی مسلمان تعدی کردند و مسلمانی را کشتند، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم سپاهی روانه کرد تا آن‌ها را تنبیه کند. خلفای مسلمان نیز از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم پیروی کردند و عزت اسلام و مسلمانان را نمایندگی کردند؛ از جمله المعتصم که سپاهی را به فتح مغربیه گسیل داشت در پاسخ به فرامی‌گفت زنی مسلمان، چنین باید با هر که به مسلمانان یا مفهوم اسلامی اهانت کند، رفتار شود؛ در سپاه نه با استقبال پرزرق‌وبرق و نه با نمایش دختران مسلمان!

بیانیه در پایان خطاب به مسلمانان گفت: ای مسلمانان، شما نیاز به تذکر درباره اهمیت آبروهائیتان ندارید؛ ما به جدیت در رفتار درست با کسانی که آبروی ما را زیر به آن‌ها تقسیم می‌کنند، بلکه تا بدان حد نسبت به شما بی‌تفاوت شده‌اند؛ پس تا کی در برابرشان سکوت خواهید کرد؟

دام اوکراین و آینده ناتو؛ طرح‌های جنگی برای مهار روسیه و محاصره چین

استاد حسن حمدان



پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تدوین نقشه‌های جنگی و مطالعات آینده‌نگرانه‌ای درباره رویارویی احتمالی با روسیه را آغاز کرده است. کشورهای عضو ناتو هزاران صفحه از «طرح‌های نظامی فوق‌سری» را تصویب و آماده کرده‌اند که مربوط به درگیری احتمالی با مسکو است. این نخستین‌بار در چند دهه اخیر است که ناتو چنین طرح‌های مفصلی را برای جنگ احتمالی با روسیه می‌پذیرد. کارشناسان می‌گویند: «این تحول نتیجه بازنگری ناتو در سیاست خود در برابر روسیه است؛ چراکه این پیمان تا پیش از حمله روسیه به اوکراین، مسکو را تهدیدی موجودیتی برای خود به‌شمار نمی‌آورد».

در آغاز، روسیه در پی پیوستن به ناتو بود و حتی توافق‌هایی با آن امضا کرد. در سال ۱۹۹۷، دو طرف «قانون بنیادین روابط متقابل» را امضا کردند که بر همکاری برای صلح، دموکراسی و امنیت تأکید داشت. همچنین استقرار دائم نیروهای جنگی اضافی ناتو در کشورهای عضو محدود شد، مگر در حالت دفاع یا وجود تهدید مستقیم. افزون بر آن، «شورای ناتو روسیه» به‌عنوان چارچوبی برای مشورت‌های سیاسی مشترک شکل گرفت.

اما در درخواست روسیه برای عضویت و ادامه سیاست «در باز» ناتو در گسترش به‌سوی شرق، باعث شد روسیه احساس خفایت و تحقیر کند؛ زیرا رهبران غربی در گفت‌وگوهای غیررسمی دهه ۱۹۹۰ قاطعاً وعده داده بودند که ناتو به شرق پیشروی نخواهد کرد و اوکراین را نخواهد پذیرفت. به گفته پوتین در سخنرانی اعلام جنگ در فوریه ۲۰۲۲: «در دهه نود به ما وعده دادند که ناتو حتی یک پیک و یک قطعه از اتمد؛ اما بی‌شرانه ما را فریب دادید و پنج موج از گسترش ناتو تاکنون اتفاق افتاده است».

در ادامه همین روند، در ۱۸ مه ۲۰۲۲، فنلاند و سوئد رسماً درخواست عضویت در ناتو دادند و سیاست بی‌طرفی چنددهه‌ساله خود را کنار گذاشتند. از نگاه ایالات متحده، گزرتن روسیه در تله اوکراین فرصتی را به‌بارد؛ زیرا جنگ روسیه و اوکراین پدیدهای طبیعی نبود، بلکه پروژه‌ای طراحی‌شده از سوی آمریکا برای تحقق اهداف بزرگ ژئوپلیتیکی بود. آمریکا با تحریک روسیه از طریق طرح عضویت اوکراین در ناتو، زمینه ورود مسکو به جنگ را فراهم کرد و سپس با طوفانی کردن درگیری، کوشید تا به اهداف خود برسد.

بر اساس ارزیابی‌های نزدیک به کرملین، عملیات نظامی روسیه قرار بود ظرف چند روز پایان یابد و هدف اصلی آن صرفاً الحاق چند استان اوکراینی بود. اما دولت «جو بایدن» برنامه‌ای دیگر در سر داشت؛ چنان‌که شبکه الجزیره نوشت: «خاک سفید جنگ شرق اوکراین را فرصتی ژئوپلیتیکی یافت و با گشودن خطوط پشتیبانی نظامی، اطلاعاتی و لجستیکی به کیف، درمصد کند کردن و فرسایشی کردن تهاجم روسیه برآمد».

جیمز لندال، خبرنگار امور دیپلماتیک بی‌بی‌سی، در تحلیلی نوشت: «شاید اهداف جنگ با روسیه مهم‌ترین منشا تنش‌های درونی غرب باشد. در حال حاضر غرب با شعار دفاع از اوکراین متحد شده و حمایت‌های اقتصادی و نظامی برای مقاومت این کشور فراهم می‌کند، اما پرسش این است که هدف نهایی در بلندمدت چیست؟».

مجله آمریکایی نیز نوشت: «ایالات متحده در جنگ اوکراین رویکردی حساب‌شده در پیش گرفته است؛ بدین معنا که از ورود مستقیم نیروهای خود به نبرد پرهیز کرده و بجای آن، کیف را به‌عنوان نیروی نیابتی در چارچوب استراتژی گسترده‌تری برای تضعیف توان نظامی متعارف روسیه حمایت می‌کند. بدون آنکه جان سربازان آمریکایی را به خطر اندازد یا درگیر جنگ مستقیم میان ناتو و روسیه شود».

سی. جی. اتکینز، سردبیر مجله عالم الناس، در مقاله‌ای درباره «دام اوکراین» می‌نویسد: «رهبرداردی را نگرانی‌های امنیتی مشروع روسیه، همراه با جاه‌طلبی‌های امپریالیستی دولت پوتین، باعث شد کار گذاشتن دام برای روسیه آسان، بلکه مستقیم و ساده به نظر برسد. (اگرچه جدید)».

پوتین، طبق خصلتی که بسیاری برای سیاست‌مداران روس توصیف می‌کنند یعنی «سطحیت‌گرایی و صفات سیاسی»، در این دام افتاد. او گمان می‌کرد جنگ اوکراین کوتاه‌مدت خواهد بود؛ اما در واقع، اوکراین همان طعمه‌ای بود که خرس روسی بلعید بی‌آنکه اهداف و ناپه‌ای‌های سیاست آمریکا را درک کند. ایالات متحده از آغاز جنگ، سه هدف اصلی را دنبال می‌کرد:

۱- فرسایش روسیه، نه نابودی آن؛ هدف آمریکا نابودی روسیه نبود، بلکه فرسودن و تضعیف تدریجی آن بود. لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، آشکارا گفت: «هدف، دیدن روسیه در وضعیتی ضعیف‌تر است. روسیه در دام افتاد و پنداشت که اوکراین ظرف چند روز سقوط خواهد کرد و حمایت غرب فروخواهد نشست. اما واقعیت خلاف آن بود؛ اوکراینی‌ها با بسیج ملی و پشتیبانی رسانه‌ای بین‌المللی متحد شدند؛ در نتیجه، حمله برقی‌آسی روسیه ناکام ماند و ارتش روسیه به عقب‌نشینی وادار شد. تا نبرد به جنگی طولانی و فرسایشی بدل گردد».

۲- شیطان‌سازی روسیه و مرعوب‌کردن اروپا؛ هدف دوم، تثبیت هژمونی آمریکا بر اروپا بود. بایدن موفق شد روسیه را در نگاه افکار عمومی غرب، «بزرگ‌ترین تهدید» جلوه دهد. این تصویرسازی، رویای اروپا برای استقلال دفاعی را نقش بر آب کرد. به نوشته مجله The National Interest، جنگ اوکراین موجب احیای ناتو شد؛ پیمانی که پس از پایان جنگ سرد دچار رخت و تردید شده بود. در پی آن، کشورهای اروپایی هزینه‌های نظامی خود را افزایش دادند، و دولت‌های بی‌طرفی چون فنلاند و سوئد نیز به ناتو پیوستند. ناتو بودجه غیرنظامی‌اش را ۲۷.۸٪ افزایش داد (به بیش از ۳۷۰ میلیون یورو) و بودجه نظامی خود را ۲۵.۸٪ بالا برد (به حدود ۲ میلیارد یورو). این تحولات نشان داد که اروپا همچنان به چتر امنیتی واشنگتن و نقش بازدارنده‌اش در برابر بحران‌های قاره وابسته است.

۳- قطع پیوند میان روسیه و چین؛ تلاش برای جذب روسیه پس از آنکه آمریکا به عنوان متحدان راهبردی و چین سومین هدف آمریکا در جنگ اوکراین است. از نگاه واشنگتن، تضعیف روسیه و فرسودن توان نظامی و اقتصادی‌اش، به‌منزله تضعیف غیرمستقیم چین نیز هست؛ زیرا هرچه روسیه درگیرتر و آسیب‌پذیرتر شود، پشتیبان اصلی پکن در عرصه بین‌المللی از میان می‌رود. جنگ اوکراین این خطر را برای چین پدید آورده که یکی از مهم‌ترین متحدان راهبردی و سیاسی خود را از دست بدهد؛ متحدی که در صحنه جهانی از مواضعش حمایت می‌کرد و در پرونده‌های دیپلماتیک هماهنگ با آن عمل می‌نمود. بدین‌ترتیب، خطای محاسبه پوتین در آغاز جنگ، چین را نیز تا حدودی در مرداب اوکراین گرفتار کرد و بخشی از هزینه‌های سیاسی و اقتصادی این درگیری را بر دوش پکن انداخت.

مجله The National Interest در ادامه نوشت: «واشنگتن از این وضعیتی نهایت بهره را برده و با افزایش هماهنگی نظامی میان اعضای ناتو در اروپا و متحدانش در شرق آسیا چون ژاپن، کره جنوبی و استرالیا، نفوذ خود را گسترش داده و ظرفیت مقابله‌اش با مسکو و پکن را بالا برده است».

بنابراین، آمریکا به بهانه جلوگیری از گسترش جنگ با خطر هسته‌ای نمی‌خواهد روسیه را به‌طور کامل نابود کند بلکه با حمایتی حساب‌شده از اوکراین، از راه در مسیر اهداف خود نگه داشته است. واشنگتن از ارسال تسلیحات تهاجمی پیشرفته و تهاجمی به کیف پرهیز کرده و تنها به میزان لازم برای ادامه درگیری کمک کرده است تا جنگ در سطح «فرسایش کنترل‌شده» باقی بماند.

اما طولانی‌شدن جنگ، شکاف میان اروپا و آمریکا را افزایش داده است. اروپا خواهان پایان جنگ بدون پیش‌شرط است، زیرا بیش‌ترین زیان اقتصادی و انرژی‌زایی را متحمل شده است؛ ولی اختیار تصمیم در دستش نیست، نه درباره امنیت خودش و نه درباره آینده اوکراین. مذاکرات در حقیقت میان روسیه و آمریکا جریان دارد. روسیه که حیثیت بین‌المللی‌اش را از دست داده و به‌گفته منابع غربی بیش از ۲۵۰ هزار سرباز را از دست داده است، اکنون در پی دیدار با ترامپ است تا دست‌کم آبرو و وجهه سیاسی‌اش را حفظ کند. اما ترامپ از پذیرش آن خودداری می‌کند، چراکه به‌دنبال تحقق همان هدف سوم است: تکمیل پروژه مهار چین.

روزنامه دیلی تلگراف در تحلیلی با عنوان «افسانه قدرت پوتین فرو میریزد؛ شاید پایان از آنچه می‌پندارد نزدیک‌تر باشد» به قلم «مارک برولین» کارشناس راهبردهای ژئوپلیتیکی نوشت: «افسانه قدرت ولادیمیر پوتین در حال فروپاشی است، و شاید سقوط نظام او بسیار نزدیک‌تر از آن باشد که خودش تصور می‌کند. تغییر اخیر در مواضع دونالد ترامپ نسبت به مسکو می‌تواند به تسریع پایان جنگ اوکراین، و حتی به فروپاشی کامل نظام روسیه بینجامد».

وضع عوارض مالی بر آب نیل؛ تجاوز به مالکیت عمومی و مخالفت آشکار با حکم شرع

استاد سعید فضل

پایگاه خبری «مزید» روز جمعه، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵، گزارش داد که مصطفی مدبولی، نخست‌وزیر مصر، با صدور تصمیم شماره ۳۷۴۴ سال ۲۰۲۵، عوارض مالی جدیدی بر استفاده از آب رود نیل و مجاری آن کشور و همچنین پمپاژ آب برای مصارف غیرکشاورزی وضع کرده است.

این تصمیم، «مهدیریت خردمندانه منابع آبی» و مقابله با کمبود آب اتخاذ شد و تنها یک روز پس از صدور مصوبه‌ای مشابه دیگر اعلام گردید. بر اساس این قانون، برای هر مترمکعب آب مصرفی، بسته به نوع استفاده، مبلغی به‌عنوان عوارض دریافت می‌شود و درآمد حاصل از آن به صندوق موسوم به «بازگرداندن چیزها به اصل خود» واریز خواهد شد؛ صندوقی که وظیفه‌اش نگهداری منابع بی‌تال مال تهر شود و نیازهای واجب دولت مانند اجاره برای تأمین هزینه‌های دولت، از جمله عکس‌های حرام می‌کند که شرعاً جایز نیست.

همچنین در فقه اسلامی، تحمیل مالیات بر مردم تنها در یک حالت استثنایی جایز شمرده شده است: زمانی که منابع بیت‌المال تهر شود و نیازهای واجب دولت مانند اجاره برای تأمین هزینه‌های دولت، از جمله عکس‌های حرام می‌کند که شرعاً جایز نیست. صورت نیز، پرداخت تنها بر عهده فرومندان و «به‌اندازه ضرورت» خواهد بود. اما وضع دائم مالیات و عوارض برای تأمین هزینه‌های دولت، از جمله عکس‌های حرام است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم درباره آن هشدار داده و فرمودند: «گیرنده مکس (مالیات ناروا) به پشت درخواهد آمد، مکس، هر آن چیزی است که بدون حق از مردم گرفته شود، چه ناشی مالیات باشد، چه عوارض یا بهای خدمات. فقه آن را شکلی از ظلم و خوردن



مال مردم به ناحق دانسته‌اند. امام قرطبی در تفسیر خود نوشت: «مکس از بزرگ‌ترین گناهان و زشت‌ترین انواع ستم است»؛ بنابراین، عوارضی که دولت مصر بر استفاده از آب نیل وضع کرده است، در زمره همین مکس حرام است؛ چراکه تحمیل مال از حق است که اساساً از آن امت است و شرع، فروش یا خرید آن را ممنوع کرده است. دولت مصر، این عوارض را با عنوان «مهدیریت خردمندانه منابع آبی» و مقابله با بحران آب که با ادامه ساخت سد النهضة اثبوتی تشدید شده توجیه می‌کند.

اما منظر شرعی، راه علاج بحران آب، فشار بر مردم نیست، بلکه در اقداماتی چون موارد زیر است:

۱- مسمات جدی از حقوق آبی مصر و جلوگیری از واگذاری آسپان‌اندازی در مذاکرات بین‌المللی.
۲- نوسازی شبکه‌های آب و آبیاری و مهار ائتلاف گسترده ناشی از نشتی، فساد و سوءمدیریت که سالانه میلیاردها مترمکعب آب می‌ریزد.

۳- توزیع عادلانه آب بر پایه اولویت‌های شرعی: تأشامیدن و کشاورزی؛ نه صرف آن در پروژه‌های تفریحی یا صنعتی غیر ضروری.
۴- تأمین هزینه‌ها از بیت‌المال، نه از جیب مردم.

ه‌تدوین سیاست آبی بر اساس عقیده و شریعت است؛ نه بر پایه شرف و باج جاکنی و صندوق بی‌المللی پول. با چنین رویکردی، امنیت آبی تحقق می‌یابد، نه با تبدیل آب به کالا و تحمیل هزینه بر مردم.

در حقیقت، این عوارض بخشی از نظام اقتصادی سرمایه‌داری است که با نگاه سودمحور به همه منابع عمومی می‌نگرد و دولت را از وظیفه اصلی‌اش یعنی رعایت و اداره شئون مردم تهر می‌سازد.

درحالی‌که دولت در حفاظت از حقابه نیز در برابر اثبوتی ناتوان مانده و از دامنه منابع داخلی خود عاجز است، راه آسان‌تر را برگزیده: تحمیل بار بر مردم. این رفتار در تضاد کامل با جوهره حاکمیت در اسلام است؛ جایی که دولت خادم مردم است، نه مسلط بر آنان.

بنابراین، آب نیل و مجاری آبی از ملک دولت نیست تا آن اقدام کامل با جوهره حاکمیت در اسلام است؛ جایی که دولت خادم مردم است، نه مسلط بر آنان.

بنابراین، آب نیل و مجاری آبی از ملک دولت نیست تا آن اقدام کامل با جوهره حاکمیت در اسلام است؛ جایی که دولت خادم مردم است، نه مسلط بر آنان.

وضع عوارض بر آن، تجاوزی است به حق امت و نقضی چگونه می‌توان پذیرفت که دولتی از مردم خود عوارض بگیرد تا از آبی نبوشد که در اصل از آن خودشان است؟ در منطق اسلامی، تأمین هزینه‌های آب، آبیاری، فاضلاب و نگهداری زیرساخت‌های مربوطه بر عهده بیت‌المال است. اگر نیاز به تعمیر یا به‌ربرداری از مجاری آبی یا پمپاژ وجود داشته باشد، هزینه آن باید

پایگاه خبری «مزید» روز جمعه، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵، گزارش داد که مصطفی مدبولی، نخست‌وزیر مصر، با صدور تصمیم شماره ۳۷۴۴ سال ۲۰۲۵، عوارض مالی جدیدی بر استفاده از آب رود نیل و مجاری آن کشور و همچنین پمپاژ آب برای مصارف غیرکشاورزی وضع کرده است. این تصمیم، «مهدیریت خردمندانه منابع آبی» و مقابله با کمبود آب اتخاذ شد و تنها یک روز پس از صدور مصوبه‌ای مشابه دیگر اعلام گردید. بر اساس این قانون، برای هر مترمکعب آب مصرفی، بسته به نوع استفاده، مبلغی به‌عنوان عوارض دریافت می‌شود و درآمد حاصل از آن به صندوق موسوم به «بازگرداندن چیزها به اصل خود» واریز خواهد شد؛ صندوقی که وظیفه‌اش نگهداری منابع بی‌تال مال تهر شود و نیازهای واجب دولت مانند اجاره برای تأمین هزینه‌های دولت، از جمله عکس‌های حرام می‌کند که شرعاً جایز نیست. صورت نیز، پرداخت تنها بر عهده فرومندان و «به‌اندازه ضرورت» خواهد بود. اما وضع دائم مالیات و عوارض برای تأمین هزینه‌های دولت، از جمله عکس‌های حرام است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم درباره آن هشدار داده و فرمودند: «گیرنده مکس (مالیات ناروا) به پشت درخواهد آمد، مکس، هر آن چیزی است که بدون حق از مردم گرفته شود، چه ناشی مالیات باشد، چه عوارض یا بهای خدمات. فقه آن را شکلی از ظلم و خوردن

در خارج از مناطق مجاز.

هرچند ممکن است مبالغ تعیین‌شده در نگاه نخست اندک به نظر برسند، اما در واقع بیانگر تغییر بنیادی در نگرش دولت به منابع طبیعی است؛ زیرا دولت اکنون با منابع عمومی همچون کالایی برای کسب درآمد و اخذ مالیات برخورد می‌کند، نه به‌عنوان دارایی مشترک مردم که شرع بر دولت واجب کرده آن را به‌صورت رایگان و عادلانه در اختیار جامعه بگذارد.

در شریعت اسلامی، آب رودها و مجاری آبی به‌ویژه رود نیل در شمار اموال عمومی امت محسوب می‌شوند؛ نه در تسلک فرد هستند و نه در تسلک دولت. از این‌رو، دولت حق ندارد همچون مالک، آن را بفروشد. اجازه دهد یا از مردم بابت استفاده از آن عوارض دریافت کند. در حدیثی صحیح از امام احمد نقل شده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «مسلمانان در سه چیز شریک‌اند، آب، مرتع و آتش». این حدیث مرجعاً نشان می‌دهد که آب از جمله منابع مشترک است که همه مسلمانان در آن برابرند و هیچ‌کس حق انحصار ندارد. امام شوکانی در کتاب نیل الاوطار می‌گوید: «این حدیث دلالت دارد که این سه چیز در اختیار هیچ‌کس قرار نمی‌گیرد و مردم در آن برابرند».

و این قاعده در الفقهی اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعلیه‌وآلوسلم فرمودند: «بیشوا (حاکم) شیان مردم است و در برابر آنان مسئول است. این مسئولیت دولت را تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله آب، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است، به‌گونه‌ای که این نعمت‌ها بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد. خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، در بیان معنی این مسئولیت گفت: «اگر در عراق چارپایی بلغزد، از من سؤال خواهد شد؛ ای عمر، چرا راه را برایش هموار نکردی؟»، حال آنکه در حدیثی دیگر آمده است که رسول‌الله صلی‌المعل

آنچه در تاریخ معاصر یمن پنهان مانده است

استاد حسن حمدان

در سال‌های گذشته، دو نظام سیاسی تازه در یمن پدید آمد؛ یکی در معنا و دیگری در عدن. اما این دو از کجا برخاستند و به‌دست چه کسانی پدید آمدند؟ نظام نخست در معنا، وارث حکومت عثمانی را از تحت قدرت کنار زد و سلطه او را بر شمال یمن پایان داد. این وارث، هرگز کمان نمی‌کرد که پس از برپیدم‌شدن خلافت عثمانی از مدینه سیاست جهانی، جهان به‌اصطلاح متحدهن، تیرهای خود را این‌چنین متوجه او کند. گردانندگان نظام تازه، نگه خود را از جهان اسلام برگرفتند و رو به غرب آوردند تا از او الگوی نظم و اداره زندگی را بیاموزند. این جهت‌گیری آشکار بود، از زمان‌های گروهی ۱۹۴۳م در «ادگان» در سال ۱۹۴۳م در شهر عدن که آن هنگام زیر اشغال بریتانیا بود فعالیت خود را آغاز کردند. نخستین نشانه این مسیر در «مبانی مقدس» سال ۱۹۴۸م ظاهر شد؛ و پس از آن نیز در اهداف انقلاب «افسان‌آرا» خواستار برپایی نظامی بودند که ساخت‌وپرداخته بیرون از مرزهای یمن. حاصل آن، نظامی جمهوری و دموکراتیک بود که با الگوگیری از غرب شکل گرفت تا از سوی نظام بین‌المللی این زمان پذیرفته شود. یکی از اهداف اصلی آن، «وحدت عربی» بود؛ اما در اساس پیوند ایمانی و تاریخی، امت به سه پایه ارتح بود: اتحاد یمن، وزیر خارجه و قدرت بریتانیا، در سال ۱۹۴۵م با تأسیس «اتحادیه عرب» مطرح کرد؛ اتحادی که جانشین خلعت فروپاشیده ۱۹۴۴م شد. در همان مسیر، از «مشور سازمان ملل» نیز تمهید شد؛ سازمانی که میراث‌دار «جامعه ملل» مسیحی بود؛ نهاده‌ای که در سال ۱۶۴۸م پس از «مسئله شرقی» به روی مسلمانان با قیودت اسلامی در اروپا پدید آمد. از همین روز، قانون اساسی جمهوری یمن، در گوهر و ساختار برگرفته از الگوی فرانسوی بود؛ جمهوری‌ای که خود را «مستقل» می‌نامید؛ اما در حقیقت، فزند اندیشه غربی بود. به همین دلیل نیز در «گفت‌وگوی ملی» سال ۲۰۱۲م، پارس مسئول پرونده قانون اساسی شد، زیرا او قالی و مالک این ساختار به‌شمار می‌رفت؛ تنها پیوسته آن بود که بنا به شرایط اقلیمی و سیاسی تغییر میکرد.

برنامه‌ریزی برای شکل‌گیری حکومت در معنا و گزینش وزیران آن، در واقع در قاهره انجام می‌گرفت؛ همان قاهره‌ای که از سال ۱۹۴۴م مأمورانش بر آموزش نیروهای ارتش امام احمد نظارت داشتند. بار تلاش برای تحقق قالی آنان کنار ماند؛ نخست در ۲۳ ژوئیه، دوم در ۲۳ اوت ۱۹۶۲م. اما بار سوم، با مرگ امام احمد در ۱۹ سپتامبر همان سال، در «قاهره تعز» که تعز ششست مرگی به‌شمار می‌رفت، در غرب که در مارس ۱۹۶۱م در الحیده به او وارد شده بود و تیراندازی که به‌دست خود، پس از آن خودکشی کرد؛ پس از ۲۶ سپتامبر

۱۹۶۲م انقلاب اعلام شد و تنها دو روز بعد، نخستین واحدهای ارتش صبر به بندر الحیده رسیدند. هدف پنهان، دور کردن افکار ارتش صبر از «آزادسازی فلسطین» و متصرف کردن نیروها از تیرد با زمین تا‌زم‌تأسیس میهنیستی بود؛ تا آنان بجای جهاد در راه قیله نخست و جرم سوم، درگیر خصومتی داخلی در یمن شوند. در سوی دیگر این نزاع، رضای قرار داشت؛ کشوری که از تأسیس آن به‌دست بریتانیا بیش از سی سال نمی‌گذشت و اکنون مأمور شده بود تا بازوی دیگر همان روزگار استعمری باشد؛ این ترتیب، نقشه تقسیم قدرت در یمن نه از دل خواست ملت برآمد، بلکه از اتاق‌های سیاست در لندن و قاهره طراحی شد؛ و ملت یمن، همانند بسیاری از سرزمین‌های اسلامی، بار دیگر محروم از آشنایی گشت برای اجرای طرح‌هایی که هدفشان جایگزینی تمدن اسلامی با الگوی غربی بود. لندن هیچ‌گاه حقیقت را پنهان نکرد؛ زمانی که دریافت قاهره عملیاتی اطلاعاتی با نام «صلاح‌الدین» در شهر تعز آغاز کرده تا سلاح به عدن شهر هجوم منتقل کند؛ و هنگامی که عبدالنصر از همان‌جا در شکست سحرانی خود خراب به بریتانیا گشت، پیرزن گریه‌ناک باید عمای خود و برادر و از عدن بیرون رود؛ بریتانیا نیز پیروده گشت که پشت این تحرکات، آمریکا قرار دارد؛ واشنگتن می‌خواست لندن را از عدن بیرون براند و نفوذش را در جنوب یمن گسترش دهد. از همین رو، بریتانیا در برابر تهاجمات‌سیح معنا ایستاد و با شدت به مقابله برخاست، حتی نیروهای نظامی دولت نوا را در منطقه قیام رها کرد؛ درگیر کرد. رفتار لندن از آن دوران، شباهت آشکار به رفتار بعدی واشنگتن در اشغال کره داشت.

همان‌گونه که آمریکا در آوریل ۲۰۰۳م حمله‌ای را با خود آورد و پس از آن افرادی چون ادای علوی، ابراهیم جعفری، نوری المالکی،

حیدر العیادی، عادل عبدالمهدی و مصطفی الکافلی تا محمد السودانی را یکی پس از دیگری بر مسند قدرت نشاند؛ پس از دوره حاکمیت نظامی‌اش در بغداد با ژنرال کارتر و سپس پل برمر، بریتانیا نیز همان الگوی استعمری را در عدن اجرا کرد. لندن در جست‌وجوی کسانی برآمد که بتواند حکومت را پس از خروج رسمی خود به دست آنان بسپارد؛ اما نه هر کسی، بلکه افرادی که هیچ پیوندی با جریان‌های وابسته به قاهره و برنامه‌های آینده آمریکا از سمت معنا نداشته باشند. از همین رو، از تشکیل «جبهه قومی» استقبال کرد؛ جریانی که از «جبهه آزادی‌بخش» وابسته به دستگاه اطلاعاتی مصر جدا شده بود. بریتانیا رهبران جبهه قومی را در خفا به دیدار با هیئت خود فراخواند؛ نشست‌ی که از ۲۰ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۶۷م در شهر ژنو سوئیس برگزار شد. این اقدام، در راستای تصمیمی بود که لندن در سال ۱۹۶۴م گرفته بود مبنی بر خروج از مستعمره عدن و جنوب سال. اما شاره‌های بریطراطی «افراج استعمار بریتانیا از عدن و جنوب یمن» نذخان ناپدید؛ زیرا اندکی بعد، استاد جلسات محرمانه هیئت جبهه قومی با نمایندگان بریتانیا به ریاست مکنتون در ژنو نشد و برما کرد که خروج استعمارگران، نه پیروزی ملت، بلکه انتقال قدرتی کنترل‌شده از دستی به دست دیگر بود. در همین بستر، در ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶م، آمریکا به‌رسمیت شناختن نظام معنا را اعلام کرد؛ و اندکی بعد، بریتانیا نیز نظام جدید عدن را مشروع دانست. با این حال، لندن تا اواسط دهه ۱۹۷۰م به‌رسمیت‌شناختن نظام معنا خودارای شد؛ زیرا هر دو پایتخت، میدان رقابت آشکار میان دو قدرت استعمری بودند. واشنگتن و شمال و لندن در جنوب.

بدین‌سان، تاریخ یمن معاصر در دو نیمه جدا اما به یکسان هدایت‌شده از بیرون رقم خورد؛ نیمه‌ای در سایه آمریکا، و نیمه‌ای در سایه بریتانیا هر دو با یک هدف مشترک، جلوگیری از بازگشت امت به هویت اسلامی خود و قطع پیوندش با مشروعیت سیاسی برخاسته از عقیده. همان خلافتی که در سال ۱۹۶۴م سرنگون شد. در نتیجه، روشن است که بریتانیا و آمریکا دو قدرت اصلی پنهان در پس پرده منازعه یمن‌اند؛ دو بازیگری که هر یک نظامی را در معنا و دیگری را در عدن حمایت می‌کنند و ابزارهای منطقه‌ای‌شان، یعنی قاهره و ریاض، جریان سیاست‌های آنان هستند. همان‌جا این شاکشکنی طولانی برای هدفی واحد شکل گرفته است؛ حکومتی از بازگشت خود خلافت اسلامی به مدینه سیست جهانی. ظهوری از بازگشت قرن‌ها برای نابودیش طرح‌ریزی کرد و با دهها پروژه استعمری، خلافت را پاره‌پاره ساخت.

یمن در این میان، تنها یک سرزمین معمولی نیست؛ بلکه جایگاهی دارد که اهمیت آن را هیچ نظر سیاسی منصفی نمی‌تواند نادیده بگیرد. این کشور در نظامی راهبردی قرار گرفته است، صرف بر دو گذرگاه آبی حیاتی، یعنی دریای سرخ و دریای عرب و در دست یک جنوب مکه مکرمه و مدینه منوره واقع است؛ سرزمینی که مرهانش را رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به «ایمان و حکمت» ستوده است.

پس از فروپاشی خلافت و غیبت آن از نظام جهانی، نظم تازه‌ای شکل گرفت که در آن قدرت‌های استعمری الگوسایند یمن را زیر نفوذ خویش بگیرند و مردمش را در حال شکستگی خود بچرخانند. نتیجه این رقابت‌ها، بریتانیا توانست مدتی طولانی شمال و جنوب یمن را در چنگ خود نگه دارد. اما با ظهور جنبش اسلامی(الله) در معنا و جنبش جنوبی‌ها در عدن، آمریکا کوشید با بهره‌گیری از این دو جریان، نفوذ سنتی بریتانیا را از یمن برچیند و جای آن را بگیرد. اکنون پرسش بزرگ این است؛ آیا مردم یمن به‌یاس از این شش دهه درگیری، تاملی درباره در چرخه این نزاع خواهند کرد؟ آیا بار دیگر نظم‌های حاکم در معنا و عدن را با جدی ژرف و بی‌طرفانه خواهند سنجید، تا دریابند که هر دو، در نهایت، ابزارهایی بودند در دست دو قدرت جهانی متخاصم؟

امید آن است که ملت یمن، این حقیقت را دریابد و از ایفای نقش در بازی پیاپیان استعمارگران دست بردارد؛ زیرا تا زمانی که سرنوشته این سرزمین در میدان رقابت استعمری، اسامی نظامی و غیره، آرامش، عزت و استقلال حقیقی به آن بازخواهد گشت. تنها بازگشت به خاستگاه اصل ایمان و حکمت است که می‌تواند یمن را از این دایره تکرار رهایی بخشد.

هیچ راه‌حلی با پیود نیست، مگر با برگردن ریشه‌شان از سرزمین مبارک!

رژیم یهود همچنان به بمباران مناطق متعددی در لبنان ادامه می‌دهد؛ کشتار می‌کند، ویران می‌سازد و مردم را آواره می‌کند. علاوه بر این، تهدید به جنگ دیگری در آوارگی اهالی آن می‌نماید. در مقابل، حکومت در لبنان تنها به فراخوان برای گفت‌وگو و تسلیم‌شدن پسندیده کرده است تا بمباران و آوارگی متوقف شود، و صرفاً از کشورهای بزرگ می‌خواهد که این تجاوزات را متوقف سازند.

تعلیق، فراخوان‌های مکرر سلطه لبنان براف گشت‌وگو، مذاکرات، فرار از واجب شرعی و جهادی است؛ چرا که این اقدامات به‌مثابه قبول مبتیانی واقعیت اشغالگر و مرزهای تهدید‌شده است. تنها راه‌حل حقیقی و واحد، متحد شدن صفوف مقاومتی تحت پرچم جهاد در راه خداوند و از سرگیری حیات اسلامی در سایه دولت خلافت راشده بر منتهج نبوت است، نه تکیه‌کردن به کشورهای بزرگ، سازمان ملل متحد، یا درخواست مذاکره با یهود. همانا استمرار بمباران لبنان و آوارگی اهالی آن توسط رژیم یهود، این پیام را می‌دهد که آن‌ها تا زمانی که مسلمانان پاسخی درخور و در جهت محوکردن موجودیت این رژیم ندهند، خود را مقید به هیچ قید و بند حقیقی نمی‌دانند. امید ما به خداوند است که وعده‌اش را محقق سازد و دولت خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت را برپا دارد؛ دولتی که رژیم یهود و مرزهایی که استعمار می‌کشورهای اسلامی ایجاد کرده است، را از میان برمی‌دارد. «والله غالب علی أمره ولکن اکثر الناس لا یعلمون».

خطاب به مخلصان در ارتش‌های پاکستان و مصر!

ای مخلصان در ارتش‌های پاکستان و کثانه (نام استعمری و قدیمی مصر) بدانید که تسلیح‌های مسلمانان فلسطین به دلیل کوتاهی و قصور شما ادامه دارد. خداوند شما را خداوند ایستادن شمامت، درحالی‌که شما قوت‌یرین ارتش‌های مسلمان هستید و دست‌به‌استاد هستید، در حالی که پندگذاشتن ستم، سربریده، شکنجه، خوار، گرسنه و آواره می‌شوند؟ ازاین‌رو، از شما می‌پرسیم: چه کسی گوید دیگر را اجازه خواهد داد که از گرسنگی یا از اجازه خود بگذرد؟ یا از اجازه خواهد داد که شکنجه و خوار شود؟ چند زن دیگر را از خود خواهد کرد تا مورد تجاوز نیروهای خود بگذرد؟ یا از خود پس بر حذر داشته‌ای. این سزایان امت اسلامی است؛ بسیاری برای پیش از ما در دست رهبران ستمگرشان گمراه شده‌اند؛ بنابراین، از کسی که نافرمانی خداوند را می‌کند، اندک نکند. با کسی سبیح در مسند احمد و سنن ابن ماجه (دو مجموعه سنجیر حدیث) آمده است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر کسی از کثامان شما، به شما فرمان دهد که نافرمانی کنید، از او اطاعت نکنید. همچنین، ابوبکر صدیق (رضی‌الله‌عنه)، نسبت به پیروی از کثامان گناهکار هشدار داد و فرمود: «تا زمانی که من از خداوند و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اطاعت نمی‌کنم. از او اطاعت کنید، و اگر از خداوند و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اطاعت نمی‌کنم، درحالی‌که از من بر شما واجب نیست». این در حالی است که ایشان بهترین منابه بودند؛ پس چگونه است حال شما، درحالی‌که شما حاکمان ستمگری اطاعت می‌کنید که در خدمت فرستادگان و فرمان‌های خداوند را زیر پا می‌گذارند، و هرگز نمی‌توانند به مردم صابه گرام (رضوان‌الله‌علیهم) برسند؟

پس استاد خریب، دروغ و خیانت از سوی حاکمان کنونی مسلمانان! آنان باری سنگین بر دوش امت هستند که اکنون باید دستشان را بگیرد (چون ستمگرشان را بگیرد). باری و حمایت خود را به حزب‌التحریر اعط کنید تا خلافت بر منتهج نبوت برپا گردد؛ دولتی که نیروی نظامی است و منابع اقتصادی‌اش را بسنج کرده، رژیم جنایتکار یهود را رها خواهد چید و دولت پیشرو در جهان خواهد بود.

دموکراسی برای انسان سودمند نیست

استاد سعید فضل

نظام دموکراتیک امروز به‌گونه‌ای معرفی می‌شود که شد آنچه خوشایند اوست، و بدی آنچه آزارش دهد. گویی اوج خرد بشر در سامان‌دادن به امور حکومت در نتیجه، ارزش‌های والا رنگ باختند و فطرت پاک است؛ تا جایی‌که به‌صورت باوری مقدس درآمد که فروماش شد. بدین ترتیب، انسانی پدید آمد بی‌جهت نباید به آن دست زد، چنان‌که گویی «میزان» است و بی‌مرج، گمشده در هیاهوی تمایلات و تناقضات نه «سنجیده‌شونده». اما اندکی تأمل نشان می‌دهد خود، گرفتار در پوچی، افسردگی و بی‌معنایی، نظامی که نه دموکراسی نه‌تنها اندیشه‌های است که در ذاتش وعده آزادی و کرامت می‌داد، در نهایت او را از هدف و تکلیف دارد، بلکه نظامی است ناسازگار با سرشت انسان‌محروم است.

انسان؛ نظامی که او را نه به آزادی و تعالی، بلکه به آرامش خود، دموکراسی بر این پیش‌فرض بنا شده هرج‌ومرج و سقوط می‌کشانند. است که انسان موجودی خردمند و متعادل است، از آغاز در نظریه، دموکراسی بر شعار درخشان توانمند در اداره خویش و جامعه‌اش با عدالت و «حکومت مردم بر مردم» بنا شد. اما این تعریف درایت، اما تجربه تاریخی بشر خلاف آن را ثابت کرده آرمانی در برابر واقعیت تاب نیاورد؛ زیرا میلیون‌ها انسان موجودی محدود است؛ گرفتار شفاف، انسان نمی‌توانند خود قانون بگذارند. پس چاره‌ای ترس‌ها و خواهش‌هایش. پس اگر اختیار قانون‌گذاری اندیشیدند و گفتند باید نمایندگانی از سوی مردم را بی‌هیچ مرجع برتر از هوای نفسش به او بسپارند، هرگزیده شوند تا بجای آنان قانون‌گذاری کنند و همچنین را تباه می‌کند؛ بنابراین، مشکل دموکراسی تنها این‌گونه، «حکومت مردم» در عمل به «حکومت اقلیتی در اکثریت» نیست، بلکه در بدفهمی ماهیت کوچک» بدل شد که سرنوشته اکثریت را در دست انسان است. انسان نه خدایی کوچک است که بتواند قانون بگذارد، و نه ناشینی عقلانی که جهان را با منطق سر دادره کند؛ بلکه آفریده‌ای است که در او گرایش به خیر و شر به تعالی و سقوط قرار دارد. از این‌رو، به مرجمی نیاز دارد که او را سامان دهد و هدایت کند. اما دموکراسی، به نام آزادی و حاکمیت، همه قیودی منتخب جای طاغوت‌های دیروز را، دموکراسی در را که مانع سقوط انسان بودند، درهم شکست؛ و او را حقیقت تیرنگی زبانی است زیبا و فریبنده که در باطن رها کرد تا در بی‌پناهی، بی‌راهنما و بی‌میزان، با خود خود استبدادی نو پنهان دارد، استبدادی که این‌بار نه در قدرت.

دموکراسی از وهمی شریف‌زاده شد که می‌پنداشت انسان می‌تواند خود، خویش را حکومت کند؛ اما به حقیقتی تلخ انجамید که نشان داد انسان چون کسی حق قانون‌گذاری دارد؟ دموکراسی انسان را در حاکم می‌کند، خود را نابود می‌سازد. این نظام نه به مرجع نهایی می‌داند؛ یعنی کسی که خود برای خود فطرت انسان سازگار است، نه با حدود عقل او، و نه قانون می‌گذارد. در نتیجه، قانون به بازتابی از تمایلات و خواهش‌های بی‌ثبات و معنا. آزادگی است زیبا و متاعف ناپایدار بشر بدل می‌شود. تاریخ نشان داده در قاهره، اما نامکدر در عمل. بجای آنکه انسان را است آنچه در جامعه‌ای «حق» شمرده می‌شود، در قاهره، به‌مثابه کرامت برکشد، او را تا مرتبه حیوان پایین جامعه‌ای دیگر «جرم» است؛ و آنچه امروز آزادی است، ممکن است فردا انحراف یا نفرت تلقی شود. کند. چنین است که دموکراسی، در ذات خود، نظامی معیارها پیوسته در تغییرند، مقیاس‌ها اسیر هوس‌ها شد انسان نیاز دارد که آن‌ها را هدایت را بر پرچم خود بنویسد.

در انسان به‌مثابه نیاز ندارد که هوس‌هایش را پیروی درون خود استقامت ندارد، می‌تواند معیار استقامت کند، بلکه به نظامی نیاز دارد که آن‌ها را هدایت را برپای برای انسانیت را تعیین کند؟ شعار «حاکمیت مردم» غرایزش را مهار و روشش را تعالی بخشد؛ تا انسانیتش حقیقتی را آبدیده می‌کند؛ مردم توده‌ای واحد و هم‌صدان نیستند، بلکه مجموعه‌ای از گرایش‌ها و متاعف جامع نیاز دارد که همه امده زندگیا‌ش، اندیشه متشاندند. تصمیمی که با رای اکثریت گرفته می‌شود، و رفتار، فرد و جامعه، دنیا و آخرت را راه‌نمایی کند لزوماً درست نیست؛ فقط رای بیشتری آورده است، و چنین نظامی جز از سوی موجودی کامل، بی‌نفس، بدبین‌سان، سبادت از «حکومت عقل» به «حکومت معقل» می‌تواند، و دانای مطلق نمی‌شود؛ بلکه از سوی الله سبحانه‌وتعالی، آفریننده انسان، جهان و حیات. همان‌گونه که فرموده است: «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللطیف الخبیر» «آیا آن‌که آفریده است، نمی‌داند؟ و حال آن‌که او لطیف و آگاه است».

بی‌آنکه به اخلاق و مسئولیت پیوند خورده باشد، دیر آنگاه که انسان به درکی درست از خویشتن، از جهان را زود به آشوب می‌انجامد. هنگامی که آزادی بی‌قید پرآموخته، از او رابطه میان دل و آنچه پیش و پس از شود، غرایز رها می‌شوند نه انسان. دموکراسی با زندگی‌اش است برسد، نخستین گام را د مسیر حقیقی نام آزادی، بند از شهوت‌های بشر گشود و او را بنده تعالی انسانیت خود برداشت است. زیرا خیزش حقیقی خواهش‌هایش کرد؛ تا آنجا که انسان در پی لذت نه از اقتصاد و صنعت آغاز می‌شود، تا از انباشت می‌دود، چنان‌که حیوان در پی خوراک، نه هدفی والا ثروت، بلکه از اندیشه‌ای برمی‌خیزد که معنای وجود و مانده و نه ارزش و معنایی بلند. به نام آزادی، فطرت

انکار شد، خانواده فروپاشید، و انحرافات و هتاجت‌رهای تقدیس شدند به‌منزوان «انتخاب شخصی»، چنین است که دموکراسی با پایه‌ای استوار برای نهضتی راستین باشد، که دموکراسی انسان را از بند رها نکند، بلکه نفس میان ایمان ژرف و اندیشه عملی پیوند زند، دنیا و سرکش و درده درون او را آزاد ساخت. فقت، ناهید بود، و حتی تاکید کرد که این صلاح در دوران اخیر به «صلح تن دادن به خفت و تحمل» تبدیل شده است. همچنین باید نامیاند، بازداشت جوانان حزب و رویکرد خودسازان‌ها را که حکومت در برابر مخالفتی عقیدتی خود اعمال می‌کند، محکوم کرد.

توافق واقعی میان دو طرف بر سر لزوم دفع این همه آمریکایی‌مذهب‌یستی برای تحمیل عدای‌سازی روابط بر لبنان و منطقه، و همچنین اهمیت احیای جنبشی به مردم از طریق مسیت‌ها، سفرنامه‌ها و فعالیت‌های عمومی می‌دهد؛ به‌طوری‌که هیئت حزب‌التحریر از جنب نامیده برای این استقبال تشکر کرد، به امید اینکه کانال‌های ارتباطی میان حزب‌التحریر در ولایت لبنان و ایشان مستمر باقی بماند.

هیئتی از حزب‌التحریر ولایت لبنان؛ با جناب آقای دکتر اسامه سعد، نماینده مجلس دیدار کرد

در بحبوحه هجوم آمریکا به لبنان و منطقه با هدف تحمیل عدای‌سازی روابط با اسرائیل و تسلیم‌شدن، و در راستای تلاش‌های حزب‌التحریر در ولایت لبنان برای مقابله با این تهاجم، هیئتی از حزب در روز دوشنبه ۲۰۲۵/۱۰/۲۷ میلادی، متشکل از اعضای کمیته ارتباطات مرکزی و کمیته فعالیت‌های منطقه جنوب، با جناب آقای دکتر اسامه سعد، نماینده مجلس، در دفتر او در شهر میدا دیدار کردند.

این هیئت به موضوع برد عادی‌سازی روابط با رژیم یهود که آمریکا تلاش می‌کند آن را بر لبنان و منطقه تحمیل کند، و همچنین لزوم مقابله با آن پرداخت. اعضای هیئت اشاره کردند که این مقابله همان کاری است که حزب‌التحریر انجام می‌دهد؛ به‌طوری‌که در پی آغاز کارزار اخیر حزب، نیروهای امنیتی به صورت خودسرانه و دلبخواهی دو تن از جوانان حزب را در بیروت، پایتخت، بازداشت کردند و این دو نفر پنج‌روز را بدون هیچ اتهام قانونی با حکم بازداشت قضایی در زندان سپری کردند؛ جنب نامیده در این دیدار خاطرشان کرد که پیش از این، در سخنرانی پارلمانی خود در برابر مجلس نمایندگان لبنان، به موضوع «صلح» (پس از توافق آتش‌بس در جنوب لبنان در تاریخ ۱۱/۲۷/۲۰۲۴) اشاره کرده و آن را «صلح تن دادن به خفت، ناهید بود، و حتی تاکید کرد که این صلاح در دوران اخیر به «صلح تن دادن به خفت و گردن نهادن» تبدیل شده است. همچنین باید نامیاند، بازداشت جوانان حزب و رویکرد خودسازان‌ها را که حکومت در برابر مخالفتی عقیدتی خود اعمال می‌کند، محکوم کرد.

توافق واقعی میان دو طرف بر سر لزوم دفع این همه آمریکایی‌مذهب‌یستی برای تحمیل عدای‌سازی روابط بر لبنان و منطقه، و همچنین اهمیت احیای جنبشی به مردم از طریق مسیت‌ها، سفرنامه‌ها و فعالیت‌های عمومی می‌دهد؛ به‌طوری‌که

هیئت حزب‌التحریر از جنب نامیده برای این استقبال تشکر کرد، به امید اینکه کانال‌های ارتباطی میان حزب‌التحریر در ولایت لبنان و ایشان مستمر باقی بماند.